

نقش مفاخر شیعه در نشر حدیث در «ری»*

جعفر فیروزمندی بندچی** و زهره نریمانی***

چکیده

ری از جمله مراکز مهم تمدن و فرهنگ اسلامی است که در ادوار متعدد زمانی مورد توجه پادشاهان و بزرگان و از جمله محدثان و راویان حدیث بوده است. ری با برخورداری از حضور بزرگانی چون عبدالعظیم حسنی، ثقة‌الاسلام کلینی و شیخ صدوق و... به عنوان یک مدرسه مهم حدیثی به شمار رفته که دارای آراء و نظرات منحصر به فردی در حوزه رجال و کلام است. سده چهارم اوج قدرت مکتب حدیث‌گرای ری بود. آغاز رونق ری از وفات علی بن بابویه و ابن ولید به بعد و مقارن با هجرت صدوق به ری و نیز سکنی گزیدن مرحوم کلینی بود که با ورود این مشایخ به ری، زمینه‌های هر چه بیشتر رشد و شکوفایی آن فراهم شد؛ به گونه‌ای که ری در ادامه قم و در برهه‌ای به جای قم، در اوج اقتدار قرار گرفت.

واژگان کلیدی: شیعه، حدیث، ری، مفاخر شیعی، نشر حدیث، مدرسه حدیثی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۱/۰۳.

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه ایران: j.firoozmandi@gmail.com

*** استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم: dm.dehghani@yahoo.com

مقدمه

ری، شهری معروف (فیروز آبادی، القاموس المحيط، ۱۴۰۷: ۱۶۶۵) و بزرگ است. قدمت آن را به قرن هشتم قبل از میلاد تخمین می‌زنند (خرم‌شاهی، دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱: ۸/۴۱۶)، ولی قدمت این شهر باید بیش از این باشد؛ چرا که با کاوش‌های باستان‌شناسان در سال ۱۹۳۵م، ظرف‌هایی سفالین مربوط به حدود شش تا چهار هزار سال قبل از میلاد کشف شده است (کریمان، ری باستان، ۱۳۷۱: ۹/۱) این بیانگر حضور مردمی دارای تمدن در ری در آن مقطع زمانی است. ری به ام‌البلاد ایران و به سبب پیشینه تاریخی آن به شیخ‌البلاد نیز مشهور بوده است (همان). مردم ری تا قبل از میلاد، مجوس بودند و آتشکده‌هایی داشتند که در آنجا به آتش‌پرستی مشغول بودند و آنها را تقدیس می‌نمودند (شهرستانی، الملل و النحل، ۲/۴۱). در تاریخ فتح ری از سوی مسلمانان دو نقل گزارش شده است: در نقل اول آمده است که ری در سال ۲۲ق به دست نعیم بن مقرن، پس از یک جنگ و درگیری و در نهایت با صلح، تسلیم رازیان زردشتی، به شرط آنکه همچون اهل ذمه، جزیه و خراج بپردازند ولی بر کیش خود باقی بمانند و آتشکده آنان دایر باشند، فتح شد (ابن اثیر، الکامل، ۱۴۱۴: ۳/۲۴؛ ابن کثیر، البدایة، ۱۴۱۷: ۷/۱۳۴؛ حموی، فتوح البلدان، بخش ایران، ترجمه آذرتاش، ۱۳۹۹: ۷۷؛ تاریخ الخلفاء، ۱۵۱). در نقل دوم آمده است: ری در سال ۳۳ق در زمان خلافت عمر بن الخطاب، به دست قرظة بن کعب انصاری گشوده شده است (حموی، معجم البلدان، ۱۳۹۹: ۳/۱۱۸).

ناصبی‌گری در ری

با نگاهی به حاکمان و فاتحان ری و سال فتح آن یعنی در دوران خلافت خلیفه دوم، می‌توان به مقدار گرایش و کشش مردم به تشیع در اوایل فتح پی برد. در اوایل، مردم ری نه تنها به تشیع و اهل بیت (علیهم‌السلام) گرایشی نداشته، بلکه حتی عداوت و کینه‌ورزی‌های عمیقی نیز داشته‌اند. شواهد و قراینی وجود دارد، دال بر اینکه مردم ری تا مدت زمانی نه چندان کوتاه ناصبی بوده‌اند و به سبب و دشنام امام علی (علیه‌السلام) پرداخته‌اند. افزون بر این گزارش، قراین دیگری بر ناصبی‌گری در ری وجود دارد:

۱. وجود حاکمان ناصبی در ری

کثیر بن شهاب، یکی از والیان ری، را چنین توصیف نموده‌اند «کان یكثر من سبّ علی، علی منبر الری» (ابن اثیر، الکامل، ۱۴۱۴: ۳/۴۱۳).

یزید بن معاویه، مشایعت و پیروی کثیر را در سبّ امام علی (علیه السلام) پسندیده دید و بدو عطایای فراوانی هبه کرد و او را برای ولایت ماسپندان، حلوان، دینور و نهاوند برگزید (حموی، فتوح البلدان، ۱۳۹۹: ۶۸).

۲. احادیث مذمت اهل ری

از دیگر قرائن عداوت مردم با اهل بیت در سال‌های فتح، وجود احادیثی در مذمت مردم ری و بیان دیدگاه‌های آنان است. این احادیث به زمان و قلمرویی خاص و نگرش‌های ویژه‌ای اختصاص دارد؛ به همین دلیل نمی‌توان این روایات را به ری کنونی و مردم آن و دیگر بلاد سرایت داد. به دو نمونه از آن احادیث اشاره می‌نماییم.

امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «الری و القزوین و ساوه ملعونات و مشؤومات» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۵۷/۲۲۶). ری، قزوین و ساوه، ملعون و شوم هستند.

باز امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «و اهل مدینة تدعی الری، هم اعداء الله و اعداء رسوله و اعداء اهل بینه یرون حرب اهل بیت رسوله، جهاداً» (همان، ۶۹/۲۱۲؛ الخصال، ۹۶)؛ مردمان شهری که ری خوانده می‌شوند، دشمنان خدا و رسول خدا و اهل بیت اویند. آنان جنگ با اهل بیت را جهاد می‌دانند.

با توجه به انتساب این روایات به امام صادق (علیه السلام) چنین برمی‌آید که جریان عداوت و ناصبی‌گری اهل ری، تا دوره عباسیان نیز ادامه یافته است.

۳. مخفی بودن حضرت عبدالعظیم در ری

از دیگر قرائن عداوت اهل ری با اهل بیت، مخفی ماندن حضرت عبدالعظیم، چهره برجسته و شاخص شیعی و صحابی خاص امام هادی (علیه السلام) است (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۴۷). اگر جو غالب مردم ری، عداوت نداشتن با اهل بیت یا رویکردی شیعی بود، به یقین شخصیتی چون حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) مخفیانه زندگی نمی‌کرد و شیعیان نیز مخفیانه با او ارتباط برقرار نمی‌ساختند.

ورود تشیع به ری

پس از چندی، جریان ناصبی‌گری در ری و دیگر شهرها تغییر کرد و آنان نیز در شمار پیروان اهل بیت و شیعیان و دوستداران آنها در آمدند (الکافی، المعیار و الموازنة، ۱۴۰۲: ۳۲). وجود قرائنی چند این مدعا را ثابت می‌کند:

۱. وجود برخی از رازیان در شمار اصحاب امام باقر، امام کاظم و امام صادق علیهم السلام.
- در میان اصحاب امام باقر علیه السلام نام یحیی بن ابی العلاء رازی به چشم می‌خورد (طبری، رجال طوسی، ۱۳۸۲: ۱۴۹). وی صاحب کتاب است (طبری، فهرست طوسی، بی تا: ۲۶۳) نجاشی از او ذیل اصحاب امام صادق علیه السلام یاد نموده است و آورده است که در ری قاضی بوده است (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۲۶، ذیل نام جعفر بن یحیی). اگر چه در یکی بودن این دو شخص اختلاف نظر است (خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳: ۱۱/۲۶-۲۵)، ولی جدای از اختلافات رجالی در تعیین افراد، می‌توان از وجود شیعیان رازی در میان اصحاب امام باقر علیه السلام نام برد.
- از دیگر اصحاب رازی امام باقر علیه السلام، اعین رازی است که به ابو معاذ مکنی است (طبری، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). در میان اصحاب امام باقر علیه السلام نام حجاج بن اَرطاه، اَبوارطاه نخعی کوفی، به چشم می‌خورد که گفته شده است در ری در زمان امام باقر علیه السلام وفات یافت (همان، ۱۳۳). وجود اصحاب امام باقر علیه السلام در ری و وفات ایشان در همانجا، نشان از حضور شیعیان هرچند اندک در آن شهر دارد.
- با توجه به اینکه حجاج بن اَرطاه اهل کوفه بوده، سفر و اقامت وی در ری، به چند دلیل می‌تواند باشد:
- آنکه برای تبلیغ و ترویج فرهنگ و فضایل اهل بیت به ری سفر کرده باشد. دیگر آنکه سفر وی برای حدیث‌پژوهی بوده باشد. این دلیل، خود نمایانگر وجود محدثان بزرگ و فراوان شیعی در این شهر است مگر آنکه بگوییم او برای استماع حدیث از غیر شیعیان به ری سفر کرده است.
- در میان اصحاب امام صادق علیه السلام نیز تعدادی از رازیان وجود دارد که می‌توان به عبدالرحیم بن سلیمان رازی کوفی (۱۸۷ ق) (طبری، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۲۳۷)؛ عطیة بن نجیح رازی؛ عیسی بن ماهان رازی، اَبوجعفر (۱۶۱ ق)؛ نعمان رازی؛ هشام بن مثنی رازی؛ عبدالله بن نجیح رازی و جعفر بن یحیی بن علاء رازی اشاره کرد.
- بکر بن صالح رازی (طوسی، فهرست طوسی، بی تا: ۸۷) و حسین بن جهم بن بکیر بن أعین رازی نیز از اصحاب امام کاظم علیه السلام هستند. همین طور در میان اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام نام افرادی که رازی هستند، به چشم می‌خورد.
۲. افزون بر وجود اصحاب رازی اهل بیت گزارشی مبنی بر حاکم شدن یکی از شیعیان امام کاظم علیه السلام در ری در مجموعه‌های روایی آمده است.
- علامه مجلسی به نقل از کتاب «قضاء حقوق المؤمنین» از مردی از اهل ری نقل می‌کند که او گفته است:

«یکی از نویسندگان یحیی بن خالد فرماندار ری شد و من مقداری مالیات بدهکار بودم. می‌ترسیدم که مرا مجبور به پرداخت کند در آن صورت هر چه داشتم از بین می‌رفت. به من گفتند: او شیعه و پیرو ائمه طاهرين است. من ترس داشتم که به او مراجعه نمایم که اگر چنین نباشد با پای خود گرفتار شده‌ام. تصمیم گرفتم فرار کنم و به خانه خدا بروم. به حج رفتم و در آنجا موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت کردم. جریان را به عرض ایشان رساندم. آن حضرت نامه‌ای بدین مضمون برای وی (فرماندار ری) نوشت:

«به نام خداوند بخشنده مهربان - خداوند را زیر عرش سایبانی است که در زیر آن سایبان قرار نمی‌گیرد مگر کسی که به برادر دینی خود متکی باشد. یا غم از دل او بردارد یا او را شادمان کند. آورنده نامه برادر دینی توست والسلام».

از حج بازگشتم و وارد شهر خود شدم. شبانه به منزل فرماندار ری رفتم. از او اجازه خواستم. گفتم: بگویند پیکری از سوی صابر آمده است. دیدم پای برهنه بیرون آمد و در را باز کرد. مرا بوسید و مرتب از احوال امام پرسید. هرگاه من خبر از سلامتی امام و بهبودی احوالش می‌دادم، می‌بوسید. پس من نامه امام را بیرون آوردم. او ایستاده نامه را بوسید و خواند. سپس مال و لباس‌هایش را خواست. پس اموال خود را دینار به دینار و درهم به درهم و لباس به لباس بین من و خود تقسیم کرد. آنچه نمی‌شد قسمت کند، قیمتش را به من داد. در تمام این قسمت‌ها می‌گفت: ای برادرم آیا مسرور شدی؟ من می‌گفتم: آری به خدا...» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۱۳: ۱۷۴/۴۸).

این روایت علاوه بر وجود شیعیان و زیست ایشان در ری، خبر از فرماندار شدن و نفوذ شیعیان در حکومت ری دارد؛ اگر چه این حضور و نفوذ، همراه با تقیه بوده است؛ زیرا از نام بردن امام کاظم علیه السلام به صابر فهمیده می‌شود که آنان به جهت تقیه، از امام به این لقب تعبیر کرده‌اند.

۳. قرینه دیگر آنکه یحیی بن زید (۱۲۵ق) پس از قیام پدرش به همراه گروهی به ری رفت و از آنجا به قومس حوالی ری رفت. وی مدتی را در آنجا نزد زیاد بن ابی زیاد قشیری ماند (کوفی، الفتوح، ۱۴۰۶: ۸/۳۲۵). حضور وی در ری به عنوان یک مبارز علوی در نزد ابن ابی زیاد، نشان‌گر حضور شیعیان هر چند به صورت اندک و غیر محسوس در ری است.

۴. حضرت علی علیه السلام در مدت پنج سال خلافت خویش دو والی برای ری تعیین نمودند. تعیین والیانی از سوی امام علی علیه السلام - هر چند که یکی از آنان دچار فساد اقتصادی گردید - قطعاً در نفوذ شیعیان در ری، ولو محدود، بی‌تأثیر نبوده است.

۵. ورود تعدادی از شیعیان ری به محضر امام جواد (علیه السلام) نیز از دیگر قراین وجود جوّ تشیع در ری در اوایل قرن سوم است (راوندی، الخرائج و الجرائح، ۱۴۰۹: ۲/ ۶۶۹، ح ۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۵۰/ ۴۵-۴۴).

اقتدار تشیع در ری

از انقراض امویان به بعد، رفته رفته شیعی گری در ری رونق یافت. قبل از به حکومت رسیدن مادرانی و اقدامات شیعی گرایانه وی، در ری و اطراف آن، حکومت‌های شیعی به صورت منقطع ایجاد گردیده بود (ابن کثیر، البداية و النهایة، ۱۴۱۷: ۱۱/ ۶؛ ابن کثیر، الکامل، ۱۴۱۴: ۴/ ۳۶۳). افزون بر حضور تعدادی از رازیان در میان اصحاب ائمه ارتباط سازمان وکالت معصومان با برخی از بزرگان ری، علامت رونق و ترویج تشیع در آن حوزه نیز می‌باشد.

قدیمی‌ترین سابقه تماس شیعیان ری با سازمان وکالت را شاید بتوان مربوط به عصر امام صادق (علیه السلام) یعنی تأسیس این سازمان دانست (جباری، سازمان وکالت، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۱۸). قطب‌الدین راوندی از مفضل بن عمر، جریان دو مرد خراسانی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) را نقل کرده که مقداری مال را از خراسان به قصد مدینه و برای تحویل به امام صادق (علیه السلام) حمل می‌کردند و همواره مواظب بودند. در ری یکی دیگر از اصحاب حضرت با آن دو ملاقات کرد و کیسه‌ای حاوی دو هزار درهم به آنان داد. این دو مرد خراسانی با مواظبت تمام، این اموال را تا نزدیک مدینه حمل کردند. در نزدیکی مدینه متوجه شدند که کیسه‌ای که مرد رازی به آنان تحویل داده، مفقود شده است. از این بابت غمناک گشتند و وقتی به محضر حضرت شرفیاب شدند، کیسه را نزد حضرت یافتند. معلوم شد که حضرت در دل شب به دلیل نیازی که به آن مال پیدا کرده بود، شیعه‌ای از جن را مأمور آوردن آن کیسه نموده است (راوندی، الخرائج، ۱۴۰۹: ۳/ ۷۷۷، ح ۱۰۱).

در غیبت صغری یعنی اواسط نیمه دوم قرن سوم هجری، رازی یکی از وکلای برجسته امام زمان (علیه السلام) در این منطقه مشغول فعالیت بوده است. او وکیل ارشد امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز بود (جباری، سازمان وکالت، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۱۸). در مقام رازی هم‌مین بس که امام عسکری (علیه السلام) در نامه‌ای به همه شیعیان ناحیه نیشابور، بیهق و مناطق اطراف امر می‌کند که حقوق شرعی را به ابراهیم بن عبده، وکیل بیهق و نواحی اطراف بدهند و او نیز اموال را به رازی یا هر کس که رازی بگوید، تحویل بدهد که رازی نیز باید اموال را به عمری تحویل دهد (طبرسی، رجال کشی، ۱۴۲۴: ۵۷۹، ح ۱۰۸).

این نقل، علاوه بر تبیین جایگاه رازی به عنوان وکیل ارشد امام به شرح و تفسیر منطقه ری و حضور پر رونق و مشتاقانه شیعیان در این منطقه نیز می‌پردازد. در واقع امام با این فرمان به گونه‌ای، فعالیت کلیه وکلای ناحیه شرق ایران را با مرکزیت ری کنترل می‌کند.

از دیگر وکلای ناحیه مقدسه در ری، محمد بن جعفر اسدی (۳۱۲ق) است که امام زمان علیه السلام در نامه‌ای درباره او فرمودند: «محمد بن جعفر در ری است. او در شمار افراد مورد اعتماد ما قرار دارد». در جای دیگر نیز از تأیید وکالت، عدالت و وثاقت او سخن به میان آمده است (شیخ طوسی، الغیبه، ۱۴۱: ۴۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۵۱/۳۶۲).

اندیشه‌ها و نگرش‌های حدیثی مکتب ری

مشخص نمودن تاریخ دقیق آغاز ورود حدیث به ری ممکن نیست، ولی با قراینی چند می‌توان این آغاز را با عصر ائمه مقارن دانست. وجود تعدادی از رازیان در شمار اصحاب اهل بیت و آمد و شد ایشان نزد خاندان نبوت و زیارتگاه بودن مقبره طاهر بن زین‌العابدین قبل از حضرت عبدالعظیم و ورود حضرت عبدالعظیم به ری و سپس مزار حمزة بن موسی الکاظم علیه السلام بهترین قراینی برای شکل‌گیری ریشه‌های مکتب حدیثی ری در عصر ائمه است. اما شاخص شدن مکتب حدیثی ری به عنوان یک مکتب صاحب‌نظر - که دارای وجوه متعدد حدیثی و نیز چهره‌های برجسته و محل رجوع محدثان بزرگ باشد - از قرن چهارم به بعد یعنی پس از مکتب حدیث‌گرای قم است.

در قرن چهارم هجری مکتب حدیث‌گرای قم که در اوج قدرت بود، توانست نوابغ و فرهیختگانی را در خود پرورش دهد که هر یک از آنها به تنهایی می‌توانستند نماینده فکری یک مکتب ویژه باشند. از جمله این مفاخر و نوابغ ابن قولویه (۳۶۸ یا ۳۶۹ق)، ابن ولید (۳۴۳ق)، علی بن حسین ابن بابویه (۳۲۸ق) و محمد بن بابویه یا همان شیخ صدوق (۳۸۱ق) را می‌توان نام برد. شیخ صدوق که بعدها به عنوان نماینده فکری و حدیثی مکتب ری در جهان تشیع مطرح می‌شود که به نوعی نماینده مکتب حدیثی قم نیز به حساب می‌آید.

شیخ صدوق پس از وفات استاد بسیار مهمش، یعنی ابن ولید که از چهره‌های برجسته مکتب قم بود، به دلایل متعدد یا به دعوت رکن‌الدوله یا درخواست شیعیان یا اهمیت حوزه ری، از قم به این حوزه هجرت کرد.

پیش از شیخ صدوق، سعد بن عبدالله اشعری قمی که از جمله قمیمین متبحر در فن حدیث بود، سفرهای حدیث‌پژوهی بسیاری از جمله به ری داشت. او در ری موفق به ملاقات ابوحاتم

رازی شد (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۲۷-۱۲۶). مسافرت افرادی چون سعد بن عبدالله و دیگران به ری به یقین در اثر گذاری آراء مکتب قم در ری بی‌تأثیر نبوده است. ثقة الاسلام کلینی نیز که از مهم‌ترین مفاخر ری است، به نوعی نماینده افکار قمیین است. بسیاری از اساتید و مشایخ کلینی از محدثان حوزه قم به شمار می‌روند. از اساتید مهم کلینی می‌توان علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، محمد بن یحیی العطار قمی، علی بن محمد بن سعد اشعری قمی، علی بن محمد بن بندار قمی و علی بن محمد بن ابی القاسم ماجیلویه و علی بن حسین سعد آبادی قمی را نام برد (خویی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳: ۱۹/۵۹-۵۸). از آنجا که مهم‌ترین اساتید کلینی از بزرگان مکتب قم هستند، به همین دلیل می‌توان کلینی را علاوه بر نماینده مکتب، منتقل‌کننده آرای مکتب قم نیز به حساب آورد. به این دلیل و دلایل متعدد دیگر، معمولاً حوزه و مکتب ری را امتداد حوزه قم دانسته و از هر دو مکتب در کنار یکدیگر نام می‌برند.

فعالیت‌های محدثان در ری

محدثان در ری که شمار آنان نیز کم نیست، فعالیت‌های حدیثی گسترده‌ای در این حوزه داشته‌اند. اهم این فعالیت‌ها: تألیف کتب، تشکیل جلسات مناظره، سفرهای حدیثی است.

۱. تألیف کتب

یکی از مهم‌ترین امتیازهای حوزه حدیثی ری، کثرت کتب تألیفی از سوی محدثان این مکتب است. اولین و مهم‌ترین کتاب از کتب اربعه یعنی «الکافی» تألیف محدثی برجسته از این حوزه و دومین آنها یعنی «من لایحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق نماینده مکتب ری است. شیخ صدوق بنا به گفته خود دارای بیش از سیصد کتاب بوده است. صاحب بن عباد بیان داشته که او برای حمل کتبش به بیش از ۴۰۰ شتر نیاز دارد (ابن حسکان، وفيات الاعیان، ۱۴۱۷: ۲/۲۳۸، رقم ۹۶) و فقط فهرست مجلدات کتب کتابخانه ده جلد بود. به طور کلی، انگیزه تألیف کتاب‌های نگاشته شده در حوزه ری به ۳ عامل زیر باز می‌گردد:

۵.

مؤلفان به دلیل احساس نیاز و ضرورتی که در مردم بدین کتاب‌ها مشاهده نموده‌اند، دست به تألیف برده‌اند. این مجموعه معمولاً یا به درخواست عده‌ای خاص تألیف شده‌اند: مثل «من لایحضره الفقیه»، «الکافی»، «اکمال الدین» و «عیون الاخبار الرضا (علیه السلام)» یا به سبب طرح سؤالاتی بود، که از سوی دیگران صورت می‌گرفت و مؤلفان در آثار خویش به آنها جواب می‌دادند، مثل کتاب الرساله الثانیه الی اهل بغداد فی معنی شهرالرمضان از شیخ صدوق (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۹۲).

انگیزه دوم، ردّ آرای مخالفان بوده است؛ چرا که فرق فکری، فقهی و مذاهب متعدد در ری نشو و نما داشتند و این حضور و فعالیت سبب یک سری تعاملات با شیعیان شد. از سوی دیگر، این فرق، برخی از آرا و عقاید خاص خود را ترویج و اشاعه می‌دادند؛ لذا ممکن بود که برخی از این افکار و آرا متأثر شوند. برای نمونه، کلینی در مقدمه الکافی به انحراف مردم از هدایت دین حقیقی و راستین اشاره می‌کند (کلینی، مقدمه الکافی، ۱۳۸۵: ۴) و به درخواستی اشاره می‌کند که از او می‌خواهد کتابی را در این باب تألیف نماید. حال این کتب یا به طور مستقیم در ردّ آرای مخالفان بوده؛ مانند کتب ابن قبه همچون کتاب «النقض» (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۵) یا ردّیه وی بر ابوعلی جبائی (همان) و ردّیه وی بر زیدیه و یا به طور غیر مستقیم در ابطال آرای مخالفان بوده است؛ مانند «الکافی» از کلینی و کتبی مانند «فضل الحسن و الحسين»، «زهد امیرالمؤمنین».

انگیزه سوم، تبیین اعتقادات شیعیان بود. شیخ صدوق در این باره کتاب معروف «الاعتقادات» را تحریر نمود که بعدها از سوی شیخ مفید تصحیح شد و با عنوان «تصحیح الاعتقاد» عرضه گردید. از دیگر کتب در این زمینه، کتاب «الهدایة» شیخ صدوق است که وی در ابتدای آن، ابوابی از اعتقادات را آورده است. کتاب دیگر او با عنوان «التوحید» نیز با همین انگیزه تألیف شده است. پیش از اینان، جعفر بن احمد بن وندک، ابو عبدالله رازی در قرن سوم، کتابی در امامت نوشت (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۱۱؛ نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۲۳).

علاوه بر کثرت تألیف در این حوزه، تألیف و تبویب کتب حدیثی به سبک و سیاق اعتقادی و کلامی را می‌توان یاد کرد که به این حوزه درخشندگی خاص می‌بخشد. نکته جالب توجه این است که نظم‌دهی این کتب چنان از سیاق منطقی و عقلانی محکمی برخوردار است که تاکنون پس از گذشت قرن‌ها، هنوز بهترین کتب اعتقادی و کلامی به شمار می‌روند.

۲. تشکیل جلسات مناظره

مناظره با مخالفان به هدف هدایت آنان و تبیین و اثبات حقانیت مذهب از جمله روش‌هایی است که از زمان اهل بیت برای شیعیان متداول بوده است. با نگاهی به تاریخ و سرگذشت اهل بیت شاهد برگزاری جلسات مناظره با حضور آنان، خصوصاً در زمان امام باقر و امام صادق (علیهم‌السلام) هستیم که صریحاً پیروان خویش را به مناظره با مخالفان دعوت نموده‌اند.

روش مناظره که بیشترین تأثیر را در مخاطب دارد، در مکتب ری رونق بسیار داشت. این شکوفایی به سبب وجود آرا و اندیشه‌های متعدد در این حوزه بود. این امر، دقیقاً بر خلاف حوزه قم

است که به جهت یکپارچگی اعتقادی و فکری در آن، ما شاهد تشکیل جلسات مناظره به گستردگی حوزه ری و بغداد نیستیم، بلکه حتی برخی از محدثان قم برای انجام مناظره به ری می‌آمدند و با مخالفان به مناظره می‌پرداختند (تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ۱۹۷۱: ۱/۳۰۸). گویی منطقه جغرافیایی ری این آمادگی را برای انجام مناظرات متعدد از سوی علما و مشایخ حدیثی حوزه‌های دیگر داشته است. علی بن حسین در سفر خویش به ری با محمد بن مقاتل رازی در اثبات امامت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) به مناظره پرداخت و این مناظره به شیعه شدن محمد بن مقاتل انجامید (همان) که بعدها این مناظره به کتابت درآمد و به «الکنز و الفر» مشهور شد (موسوی خوانساری، روضان الجنات، بی‌تا: ۴/۲۷۵؛ افندی، ریاض العلماء، ۱۳۷۶: ۴/۶).

ابن قبه رازی که یک معتزلی شیعه شده است، تشیع خود را مدیون برپایی همین جلسات مناظره در ری می‌داند. وی پس از روی آوردن به تشیع کتابی در امامت نوشت (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۵).

مناظره‌های مهم و معروف شیخ صدوق که در مجلس رکن الدوله بویه‌ی برگزار می‌شد که تعداد آنها نیز کم نیست و معمولاً با موفقیت شیخ صدوق پایان می‌یافت، خود بهترین شاهد بر تشکیل فعالانه جلسات مناظره در ری است.

در همین جا متذکر می‌شویم که دلیل دیگر رونق جلسات مناظره در ری، اهتمام و علاقه نشان دادن امرا و حکام ری، خصوصاً در دوره آل بویه است؛ چنان که مناظرات شیخ صدوق در حضور سلطان بویه‌ی و در کاخ وی صورت می‌گرفت. بخشی از این مناظرات را خود شیخ در کتاب «کمال‌الدین» آورده و بخش دیگر را شیخ جعفر دوریستی در رساله‌ای جداگانه گردآورده است (اصفهانی، مجالس المؤمنین، ۱/۴۵۶).

۳. مسافرت‌های حدیثی

به سبب اهمیت و رونق حدیث در مکتب ری، به ویژه در قرن چهارم و پنجم، شاهد سفرهای حدیثی بسیاری از سوی این حوزه به دیگر شهرها هستیم. همچنین حوزه ری به دلیل شکوفایی حدیثی، پذیرای چهره‌های شاخص و به نامی بوده است که برای کسب حدیث به این شهر سفر نموده‌اند.

علی بن حسین در ری به مناظره با محمد بن مقاتل پرداخت (افندی، ریاض العلماء، ۱۳۷۶: ۴/۶؛ موسوی خوانساری، روضات الجنات، بی‌تا: ۴/۲۷۵). برپایی این مناظره در ری می‌تواند قرینه‌ای بر سفر ابن بابویه به ری که خود شخصیتی معروف و بنام از حوزه قم است، برای کسب حدیث و استماع آن باشد.

قرینه دیگر دال بر سفر محدثان بزرگ ری، روایت نجاشی درباره محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری قمی است که وی کتاب «المساحة» را نزد محدثان قم و بغداد و ری جست‌وجو نمود، ولی آن را نیافت (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۵۲). این نقل می‌تواند خبر از مسافرت حمیری به ری در جست‌وجوی یک کتاب حدیثی باشد.

از قراین دیگر سکونت محمد بن جعفر بن محمد بن عون اسدی کوفی در ری است که او را ثقة و صحیح الحدیث توصیف نموده‌اند (همان، ۲۶۴).

باید متذکر شد هر چند حوزه ری از حیث حدیث، دارای برجستگی‌هایی خاص بود، اما هیچ‌گاه نتوانست بسان بغداد شاهد حضور گسترده محدثان دیگر شهرها باشد. محدثان برجسته و مبارز حوزه ری چون شیخ صدوق و کلینی سفرهای حدیثی به دیگر شهرها داشته‌اند. در ذیل، نام آن تعداد از محدثانی که به دیگر شهرها مسافرت نموده‌اند، ذکر می‌نماییم.

۱. ابو هلال رازی (قرن ۲)؛ وی از امام صادق علیه السلام و عبدالله بن سکان از او روایت می‌کند (خویی، معجم الرجال، ۱۴۱۳: ۷۹ / ۲۲).

۲. ابویحیی رازی (قرن ۲)؛ وی از امام صادق علیه السلام و ابو اسماعیل صیقل از او روایت می‌کند (همان، ۸۴).

۳. احمد بن اسحاق رازی (قرن ۳-۴)؛ از اصحاب امام هادی علیه السلام است و او را به وثاقت ستوده‌اند (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۱۰).

۴. اسماعیل صیقل رازی (قرن ۲)؛ از امام صادق علیه السلام روایت می‌کرد (خویی، معجم الرجال، ۱۴۱۳: ۲۰۷ / ۳).

۵. اعین، ابو معاذ رازی (قرن ۲)؛ از او در شمار اصحاب امام باقر علیه السلام نام می‌برند (طبری، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۲۲۷).

۶. بکر بن صالح رازی (قرن ۲-۳)؛ از موالی بنو ضبّه و از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام است و از آن حضرت روایت می‌کند. شیخ طوسی او را در شمار اصحاب امام رضا علیه السلام و نیز در شمار کسانی که از امامان روایت نکرده‌اند، یاد می‌کند (همان، ۳۳۷: نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۰۹).

۷. حسن بن احمد بن محمد بن هیثم، ابو محمد عجلی رازی، قرن ۴؛ وی از علمای شیعه است و در پایان عمر در کوفه اقامت گزید. نجاشی (متولد ۳۷۲ ق) او را در کوفه دیده است (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۰۳: ۶۵).

۸. حسین بن احمد بن محمد بن احمد، ابو عبدالله اشنانی رازی (قرن ۴)؛ او از علی بن مهرویه قزوینی روایت کرده و شیخ صدوق در بلخ از وی حدیث شنیده است (خویی، معجم رجال، ۱۴۱۳: ۷۴ / ۶).

۹. حسین بن محمد رازی (قرن ۳)؛ او از امام ابوالحسن علیه السلام و جعفر بن محمد بن نوح از او روایت کرده است (همان، ۸۲).
۱۰. سهل بن زیاد، ابو سعید آدمی رازی (زنده در ۲۵۵ ق)؛ او محضر امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه السلام را درک کرد (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۰۱-۴۱۶؛ نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۸۵).
۱۱. صالح بن مسلم (ابو حماد) ابوالخیر رازی (قرن ۳)؛ نام او در شمار اصحاب امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیه السلام یاد شده است (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۰۲-۴۱۶).
۱۲. عبدالرحیم بن سلیمان، ابوعلی رازی (م ۱۸۳ / ۱۸۷)؛ حافظ، محدث و ساکن کوفه است نام او در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام آمده است (خویی، معجم الرجال، ۱۰ / ۹).
۱۳. عبدالله بن محمد بن حماد رازی (قرن ۳)؛ از اصحاب امام جواد علیه السلام بود (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۰۳).
۱۴. عطیه بن نجیح / ابوالمظفر رازی (قرن ۲)؛ در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام عنوان شده است (همان، ۲۶۴).
۱۵. علی بن عثمان رازی (قرن ۲)؛ وی از ابوالحسن اول (امام کاظم علیه السلام) و محمد بن مهران از او روایت می کند (خویی، معجم الرجال، ۱۲ / ۹۲).
۱۶. عمرو بن عثمان رازی (قرن ۳)؛ او از امام موسی بن جعفر علیه السلام و محمد بن حسین بن خطاب از او روایت کرده است (همان، ۱۱۸).
۱۷. محمد بن بکران بن عمران، ابو جعفر رازی (قرن ۴)؛ ساکن کوفه بود. روایات وی مورد اعتماد است (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۴۹۴).
۱۸. محمد بن خالد، ابوالعباس رازی (قرن ۳)؛ او از اصحاب امام هادی علیه السلام بود (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۲۴).
۱۹. محمد بن سهل بجلی رازی (قرن ۲ - ۳)؛ از اصحاب امام رضا علیه السلام بود (همان، ۳۸۹).
۲۰. محمد بن یزداد رازی (قرن ۳)؛ او در شمار اصحاب امام عسکری علیه السلام و نیز از کسانی است که از امامان روایت نکرده اند (همان، ۴۳۶ - ۵۰۱).
۲۱. محمد بن یعقوب بن اسحاق، ابو جعفر کلینی رازی (م ۳۲۹)؛ در قم از مشایخ بزرگ آن دیار حدیث شنید. سپس به نیشابور و پس از آن به کوفه کوچ کرد. آن گاه به بغداد رفت و در درب السلسله سکنی گزید (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۷ - ۳۷۸؛ طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۹۵).

۲۲. منصور بن عباس، ابوحسین رازی (قرن ۳)؛ ساکن بغداد بود. او را در شمار اصحاب امام جواد و امام هادی (علیهما السلام) یاد کرده‌اند (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۰۷ و ۴۲۳؛ نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۴۱۳).

۲۳. نعمان رازی (قرن ۲)؛ از اصحاب امام صادق بود (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۵).

۲۴. ولید بن ابان جنی رازی (قرن ۳)؛ از اصحاب امام رضا (علیه السلام) بود (همان، ۳۳۲).

۲۵. هشام بن مثنی رازی (قرن ۲)؛ از اصحاب امام صادق (علیه السلام) بود (همان، ۴۳۹).

۲۶. یحیی بن ابی بکر ضریر رازی (قرن ۳)؛ در شمار اصحاب امام هادی (علیه السلام) یاد شده است (همان، ۴۳۹).

۲۷. یحیی بن علاء ابو عمرو (ابوسلمه) (ابوجعفر) بجلی رازی (م ۱۶۱-۱۷۰)؛ وی از امام صادق (علیه السلام) و از معروف بن خربوذ و دیگران روایت کرده است. نجاشی او را کوفی و موثق می‌داند (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۴۴۴؛ طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۳۳).

آنچه آمد، به یقین استقصای کلیه راویان رازی در شرح حال آنان که قرآینی دال بر حضور و مسافرت آنان به دیگر شهرها وجود دارد، نیست، بلکه گزارشی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین چهره‌های رازی است که به احتمال مسافرت حدیثی برای کسب و سماع حدیث در دیگر شهرها داشته‌اند. چنان که ملاحظه می‌شود، در میان این راویان بسیاری از آنان از صحاب اهل بیت هستند.

محدثان ری در زمان حضور ائمه برای شنیدن حدیث از آنان به دیگر شهرها چون کوفه و بغداد که مکان اهل بیت و شیعیان هستند، مسافرت نمودند. نکته دیگر آنکه بسیاری از آنها در همان شهرها نیز ساکن شدند.

شاخصه‌های ویژه حدیث و حدیث‌گرایی در ری

ری از ویژگی‌های منحصر به فردی در زمینه حدیث پژوهی برخوردار است. برخی از این ویژگی به قرار ذیل است:

۱. کثرت محدثان شیعی و سنی در ری

راویان و محدثان شیعه بسیاری از حوزه ری برخاسته‌اند که در امر حدیث اهتمام و تلاش بسزایی داشته‌اند. در ذیل با استفاده از کتب اصلی علم رجال نام آن دسته از محدثان شیعه که یا در ری سکونت داشته‌اند و یا اصالتاً رازی هستند، یاد می‌کنیم:

۱. ابوالطیب رازی (طوسی، الفهرست، بی تا: ۲۷۷)؛
۲. ابوعبدالله جامورانی رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۵۱)؛
۳. احمد بن ابراهیم معروف به علان کلینی، از اهل ری (همان، ۴۰۷)؛
۴. احمد بن اسحاق رازی (همان، ۳۸۳)؛
۵. احمد بن حسن رازی (همان، ۴۱۱)؛
۶. احمد بن علی، ابوالعباس رازی (همان، ۴۱۶؛ طوسی، الفهرست، بی تا: ۷۶؛ نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۹۷)؛
۷. اعین رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۱۴۹)؛
۸. بکر بن صالح رازی (همان، ۴۱۷؛ طوسی، الفهرست، بی تا: ۸۷)؛
۹. بکر بن عبدالله بن جنیب ساکن ری (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۵۰۹)؛
۱۰. حسن بن عباس بن حویش رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۷۴؛ طوسی، الفهرست، بی تا: ۱۰۵)؛
۱۱. حسن بن جهم رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۵۴)؛
۱۲. حسن بن أحمد بن محمد بن هیثم عجلی رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۶۵)؛
۱۳. حسین بن حسن حسینی اسود رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۲۰)؛
۱۴. حسن بن علی خیاط رازی (همان)؛
۱۵. حسین بن یزید بن محمد عبدالملک نوفلی، ساکن ری (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۸)؛
۱۶. حسین جهم رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۵۵)؛
۱۷. جعفر بن احمد بن نندک رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۲۳)؛
۱۸. جعفر بن علی بن احمد قمی معروف به ابن رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۱۸)؛
۱۹. جعفر بن یحیی بن العلاء ابو محمد رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۲۶)؛
۲۰. جدیر بن عبدالحمید ضبی، کوفی، ساکن ری (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۱۷۷)؛
۲۱. سهل بن زیاد أبو سعید آدمی رازی (همان، ۳۷۵؛ طوسی، الفهرست، بی تا: ۱۴۲؛ نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۸۵)؛
۲۲. سلمة بن خطاب أبو الفضل براوستانی ازدورقانی - روستایی از سواد ری (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۸۷)؛
۲۳. شعیب بن خالد بحلی که وارد ری شد (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۲۲۳)؛
۲۴. صالح بن ابی حماد أبو الخیر رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۹۸؛ طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۸۷)؛

۲۵. عبدالجبار رازی (شیخ مفید) (طوسی، الفهرست، بی تا: ۱۳):
۲۶. عبدالله بن محمد بن علی بن عباس بن هارون تمیمی رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۲۸؛ طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۷۷):
۲۷. عبدالله بن محمد بن حماد رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۷۶):
۲۸. عبدالله بن محمد رازی (همان، ۴۳۳):
۲۹. عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی که وارد ری شد (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۴۷) د.
۳۰. علی بن احمد بن علی خزازه، نزیل ری (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۳۰؛ طوسی، الفهرست، بی تا: ۱۶۵):
۳۱. علی بن عباس جرادینی رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۵۵):
۳۲. علی بن سلیمان داود رازی (طوسی، اختیار معرفة رجال، ۱۴۲۴: ۱ / ۴۰):
۳۳. علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی کلینی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۶۰):
۳۴. عطیة بن نجیح ابوالمطهر رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۲۶۴):
۳۵. عمرو بن جمیع ازدی بصری قاضی ری (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۸۸؛ طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۲۵۱):
۳۶. عیسی بن ماهان، ابوجعفر رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۲۵۸):
۳۷. محمد بن احمد بن محمد سنان زهری، نزیل ری (همان، ۴۴۷):
۳۸. محمد بن ابی زید رازی (همان، ۳۷۹):
۳۹. محمد بن حسان رازی، ابو عبدالله زینبی (همان، ۳۹۲؛ الفهرست، ۲۲۴؛ نجاشی، ۳۲۸):
۴۰. محمد بن جعفر بن محمد بن عون اسدی ابوالحسین کوفی، ساکن ری (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۳؛ طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۳۹):
۴۱. محمد بن عبدالرحمن بن قبة رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۵؛ طوسی، الفهرست، ۲۰۷):
۴۲. محمد بن یزداد رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۰۲):
۴۳. محمد بن یعقوب بن اسحاق أبو جعفر کلینی که شیخ اصحاب ما در زمان خویش در ری بود (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۷):
۴۴. محمد بن خالد رازی زینبی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۳۹۲):
۴۵. محمد بن خلف ابوبکر رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۸۱):
۴۶. محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی ابوجعفر، نزیل ری (همان، ۳۸۹):

۴۷. محمد بن بکران بن عمران ابوجعفر رازی ساکن کوفه (همان، ۳۹۴)؛
۴۸. محمد بن یحیی احمدی کوفی نزلی ری (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱:۲۹۸)؛
۴۹. منصور بن عباس ابوالحسین رازی، ساکن بغداد (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳:۴۱۳)؛
۵۰. یحیی بن ابی بکر رازی ضریر (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱:۳۹۳)؛
۵۱. نعیم بن مسیره ساکن ری (همان)؛
۵۲. یحیی بن علاء بجلي رازی ابوجعفر (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳:۴۴۴)؛
۵۳. هشام بن مثنی رازی (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱:۳۱۶)؛
۵۴. ولید بن ابان ضبی رازی (همان، ۳۶۸).
- حضور محدثان اهل تسنن نیز در ری به صورت گسترده و فعال در قالب فرقه‌های مختلف، خود، موضوعی در خور توجه است. ری افزون بر آنکه پایگاهی مهم برای شیعه به حساب می‌آمد، به سبب قدرت گرایش‌های عامی، در نزد محدثان اهل تسنن نیز اهمیت و اعتبار بیشتری داشت. محدثان بزرگ سنی، به شهر ری مسافرت‌های حدیثی بسیاری داشتند و برخی از آنها نیز در همان جا سکونت یافتند. برخی از این افراد در ذیل یاد می‌شود:
۱. ابوجعفر رازی، عیسی بن ماهان که اصالتاً اهل مرو بود. وی به ری آمد و در آنجا ماند و لقب رازی گرفت. او به بغداد و کوفه نیز رفت (واقدی، طبقات الکبری، بی‌تا: ۱۰۹ / ۷؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بی‌تا: ۴ / ۲۷۸).
 ۲. یحیی بن ضریر که در ری قاضی بود و در همان‌جا وفات یافت (واقدی، طبقات الکبری، بی‌تا: ۱۰۹ / ۷).
 ۳. سعید بن سنان شیبانی که اصلش از کوفه بود، ولی در ری ساکن شد.
 ۴. جریر بن عبدالحمید متولد کوفه است، ولی در ری ساکن شد و در آنجا نیز وفات یافت (خطیب، تاریخ بغداد، بی‌تا: ۷ / ۲۵۲).
 ۵. اسحاق بن سلیمان که دو سال در کوفه بود، ولی به ری رفت و در آنجا در سال ۱۹۹ ق وفات یافت.
 ۶. اسحاق بن اسماعیل رازی که در ری وفات یافت (هاشمی، ابوزرعۀ رازی و جهوده فی السنة، ۱۴۰۹: ۱ / ۵۵).
- برخی محدثان و راویان برجسته عامی دیگری نیز به ری منسوب هستند؛ افرادی چون ابوزعمۀ رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۵)، ابن قبه (قبل از تشیعش)، هشام بن عبدالله رازی (۲۱۱ ق) (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۱۴۱۳: ۱۱ / ۴۷) و ابراهیم بن موسی بن یزید بن زاذان رازی که ابوزرعۀ هزار حدیث از او نوشته است (همان، ۱۷ / ۲).

نکته قابل تأمل در این لیست آن است که برخی از محدثان پس از رفتن به کوفه و حتی سکونت موقت در آنجا به ری رفته و در آنجا اقامت گزیده‌اند. این نکته علاوه بر مشخص نمودن شیعی‌گری محض کوفه، نمایان‌گر مساعد بودن و هماهنگ بودن فضای فرهنگی مذهبی و حتی سیاسی ری برای اهل تسنن است که علمای بزرگ آنها پس از گذراندن دورانی کوتاه، گویی تاب تحمل در کوفه را نداشته و محلی همچون ری را برای سکونت و فعالیت‌های علمی خویش برمی‌گزینند که در جهاتی با کوفه متفاوت باشد.

حضور محدثان اهل سنت با گرایش‌ها و تفکرات مختلف^[۱] در ری و زندگی مسالمت‌آمیز شیعیان با آنها در دوره‌های بعد و در زمان حکومت بویه‌یان سبب رشد و ترقی و شکوفایی علم حدیث در حوزه ری چه برای اهل تسنن و چه برای شیعه بود. پیشتر گذشت که در جلسات مناظره در ری افرادی چون ابن قبه و دیگران به تشیع گرایش یافتند. برخی از آنان نیز در رد بر آثار شیعه کتاب می‌نوشتند، اضافه بر آن بسیاری از آنها از برخی از نگرش‌های فکری شیعیان تأثیر می‌پذیرفتند و خود از معتقدان بدان رأی می‌شدند، از نمونه بارز اینان بخاری است که در هنگام ورود به ری، قائل به خلق قرآن شد.

در کنار اثرپذیری‌ها و بهره‌های محدثان سنی از محدثان شیعی، حضور و فعالیت آنان در ری زمینه‌ساز گرایش و روی آوردن به عقل‌گرایی و اهتمام به مباحث اصولی شیعیان ری را فراهم آورد.

۲. قلت واسطه در اسناد احادیث ری

احادیث مکتب ری به دلایل متعدد از امتیاز «عالی السند» بودن برخوردار است و این مکتب به این ویژگی شهرت دارد (تعلیقه میرداماد بر کافی، ۷۶؛ شیخ بهایی، مشرق الشمسین، بی‌تا: ۲۷۸). اصطلاح عالی در سند به معنای قلت واسطه، ضمن اتصال است که خلاف آن نازل است (مامقانی، مقباس الهدایة، ۱۴۱۱: ۱/۳۴۲). آنچه در سند حدیث عالی اهمیت دارد، قید آن یعنی اتصال است. احادیث عالی به دلایلی چون کاهش ضریب خطا در آن، کمتر بودن واسطه‌ها در نقل و مشقت کمتر در جهت تشخیص درجه صحت و اعتبار آن (همان، ۲۴۸) از اهمیت و اعتبار بیشتری نسبت به احادیث نازل برخوردار هستند. دلایل عالی بودن اسناد احادیث مکتب ری را در چند چیز می‌توان دانست:

الف) سفرهای بسیار و تتبع کثیر محدثان

در مبحث سفرهای حدیثی و نیز مفاخر حدیثی آمد که محدثان ری برای کسب و سماع حدیث بدون واسطه از مشایخ حدیثی تلاش بسیاری داشتند. پر سفرترین محدث شیعه، شیخ صدوق، نماینده مکتب ری است.

کلینی در مدت ۲۰ سال برای تألیف الکافی با انجام سفرهای متعدد در سماع احادیث از مشایخ بزرگ جهد بسیار نمود. خلاصه آنکه دانشمندان حدیث، یکی از اهداف مهم سفرهای حدیثی را کمتر کردن واسطه‌های سندی و عالی نمودن اسناد حدیث می‌دانند (مامقانی، مقباس، ۱۴۱۱: ۲/۲۴۵).

از دیگر شواهد قلت واسطه در اسناد حدیث وجود ثلاثیات در مکتب ری است و یکی از وجوه مختصه کلینی، ثلاثیات آن است. از مهم‌ترین دلایل اهمیت ثلاثیات، علو اسناد آن است. از آنجا که در میان شیعیان این مسأله فقط به مجموعه عظیم الکافی اختصاص دارد که آن نیز از تألیفات محدث بزرگ مکتب ری است، می‌توان گفت که این مسئله نیز در اشتهار علو اسناد احادیث مکتب ری تأثیر داشته است.

ب) نزدیکی محدثان ری با عصر صدور حدیث

احادیثی که از مکتب ری در قالب کتب حدیثی چون «الکافی» و «من لایحضره الفقیه» و... در دسترس است، هم مؤلفان آنها و هم منابع مورد استفاده برای نگارش آنها از جهت فاصله زمانی در مقایسه با دیگران، به عصر صدور حدیث نزدیک‌تر بوده‌اند.

یکی از مهم‌ترین منابع کلینی، اصول پراکنده اربعمائه بود. اصول اربعمائه که تا زمان کلینی هنوز در دست بود و فاصله چندانی با عصر حضور معصومان نداشت، سبب شد که اسناد روایات در رتبه عالی قرار گیرد و احادیث این مکتب به علو اسناد مشهور شود؛ هر چند کلینی در استفاده از این اصول به دلیل یقین به انتساب آنها به مؤلفانشان طریق وجاده را داشته است.

بعد از کلینی مرحوم شیخ صدوق و نیز پدر و اساتید وی به نسبت دیگر مفاخر شیعه که کتب آنها در دست است، به عصر صدور حدیث و عصر غیبت صغری قرابت زمانی بیشتری داشتند. همین عامل سبب دسترسی ایشان را به احادیث از منابع اصلی آن یا قریب بدان‌ها بیشتر فراهم می‌نمود.

ج) حضور برخی از صحابیون اهل بیت با القاب «رازی»

در میان صحابیان اهل بیت افراد زیادی از ری برخاسته بودند. همچنین حضور برخی از چهره‌ها و راویان و اصحاب ویژه اهل بیت چون حضرت عبدالعظیم حسنی، طاهر بن زین العابدین و حمزه بن موسی الکاظم (علیه السلام) - که در جوار حرم حضرت عبدالعظیم مدفون هست - در ری، سبب کمتر کردن واسطه‌ها و عالی نمودن اسناد است؛ چرا که یک محدث رازی به هنگام نقل روایت از امام با واسطه حضرت عبدالعظیم و بزرگان دیگر، از واسطه‌هایی که ممکن بود در این مسیر قرار گیرند، صرف‌نظر می‌کرد و با واسطه کمتری از امام معصوم نقل می‌نمود که این، خود، سبب علو سند است.

۳. پالایش و تبویب احادیث

از مهم‌ترین شاخصه‌های ویژه مکتب حدیثی ری، پالایش و برگزیدن احادیث طبق معیار و موازین لحاظ شده همراه با تبویب آنهاست. کلینی و شیخ صدوق در انتخاب اخبار برای دو مجموعه بزرگ حدیثی خود، موازین و معیارهایی وضع نمودند که احادیث را در صورت تطابق با آنها می‌پذیرفتند. اولین نکته مشترک هر دو این است که با در اختیار داشتن کتب مشهور و روایات بسیار، این روایات را برگزیده‌اند (کلینی، الکافی، بی‌تا: ۳/۱) و احادیث مورد پذیرش خود را در کتاب خوش آورده‌اند. شیخ صدوق به صراحت این مطلب را در مقدمه کتاب «من لایحضره الفقیه» آورده است (مقدمه الفقیه، ۳/۱)؛ چه اگر آنان می‌خواستند هر آنچه به عنوان روایت در دست دارند، اعم از اصول، کتب و تصنیفات متقدمین یا معاصران، در مجموعه‌های خویش بدون هیچ‌گونه تنزیه و گزینش نقل نمایند، به یقین، کتب آنان بسیار گسترده‌تر از آنچه اکنون در دست است، می‌شد. دیگر آنکه اعتبار کنونی را نداشتند.

یکی از وجوه اعتبار کتب «الکافی» و «من لایحضره الفقیه» اعمال اجتهاد در پالایش گزینش اخباری از سوی مؤلفان این دو کتاب است. در کنار این عمل، تبویب و سیاق خاص و ویژه این کتب نیز به عنوان ثمره مهم مکتب حدیثی ری جالب توجه است؛ زیرا در میان کتب حدیثی پیش از اینان، هیچ کتاب حدیثی یافت نمی‌شود که ضمن گستردگی و شمولیت؛ از سیاق، تبویب و ترتیب ابواب و بخش‌ها به صورت منظم و اصولی برخوردار باشد. به جرأت می‌توان گفت، ترتیب و تبویب روایات با معیار متن که ناشی از اعمال اجتهاد و فهم عمیق احادیث و احاطه و اشراف کلی بر احادیث است، از مکتب ری آغاز شد. گویی که در دوره‌های پیش از اینان، علوم مختلف و ابواب متعدد حدیثی، هر یک به تنهایی و به صورت مستقل نضج گرفته بود، ولی آنان با احاطه علمی خود ارتباط وثیق این علوم را نمایانده و آنها را سلسله‌وار و مرتبط با هم، به گونه‌ای که هر باب مقدمه‌ای برای باب دیگر باشد، سامان داده‌اند و اکنون با گذشت سالیانی دراز از تدوین آن کتب، هنوز سیاق و ترتیب‌بندی آنها بهترین الگو برای نگارش کتاب‌های فقهی، اصولی و عقیدتی به شمار می‌رود.

۴. حدیث‌گرایی در مکتب ری

تصور می‌شود چون زمینه‌های عقل‌گرایی و پیاده شدن اصول اجتهادی در ری آماده بود، عنصر فکری غالب بر این مکتب، اجتهاد و عقل‌گرایی است، ولی حقیقت خلاف آن است؛ زیرا هر چند حضور فرقه‌ها و نحله‌های مختلف کلامی - فقهی در ری و در زمان کلینی و شیخ

صدوق و نیز تقارن آن سده با غیبت صغری و دوران بهت و حیرت مردم و وجود پرسش‌های فراوان در زمینه‌های مختلف بر مکتب ری حاکم بود، ولی جریان غالب بر این مکتب اخباری‌گری بود، و معمولاً بزرگان و دانشمندان حدیث، مکتب ری را در کنار مفاخر مکتب قم و در ذیل اخباریان نام می‌برند و می‌توان از آن به دلایل حاکمیت حدیثی‌گرایی بر مکتب ری حاکمیت حدیث‌گرایی بر مکتب حدیثی ری یاد کرد. در ذیل دلایل این حاکمیت ارائه می‌شود.

الف) اثرپذیری شدید ری از قم

بیشترین اثرپذیری ری، از مکتب قم بود. و این اثرپذیری در ابعاد مختلف تا بدانجا پیش رفت که برخی این دو مدرسه را یک مکتب یا به تقریر دیگر، مکتب ری را ادامه و دنباله مکتب قم به شمار می‌آورند؛ چرا که محدثان ری در جرح و تعدیل و اختیار نظر علمی، از آرای اساتید و مشایخ قم بهره می‌بردند. برای نمونه شیخ صدوق از آرای استاد خود ابن ولید بهره بسیار برده است. صدوق به صراحت می‌گوید: هر چه ابن ولید حکم به صحت آنها نداده است، در نزد ما ناصحیح است (صدوق، من لایحضره الفقیه، بی‌تا: ۵۵ / ۲، ح ۴۱، فی ذیل حدیث صلاة الغدير). علی بن ابراهیم بن هاشم قمی نیز از مهم‌ترین اساتید کلینی است که خود اخباری است. وقتی که تأثیرپذیری عمیق در جنبه‌های مختلف این چنین صورت گرفته باشد، کاملاً بدیهی است که مسلک حدیثی اهل ری چون مسلک حدیثی قم، اخبارگری باشد.

ب) گزارش اهل حدیث بودن رازیون

وجود برخی گزارش‌ها مبنی بر حدیث‌گرایی شیخ صدوق و کلینی خود این ادعا را اثبات می‌نماید. سید مرتضی به هنگام نقد آرای مخالفان خویش یعنی صدوق و ابن ولید، آنها را با «اصحاب الحدیث من اصحابنا» مخاطب می‌سازد (حلی، السرائر، ۱ / ۵۰) و مبنای عمل آنها را که مبتنی بر اخباری‌گری است، طرح نموده و به شدت بدانان حمله‌ور می‌شود.^[۲]

ج) شیوه نگارش کتب فقهی

نحوه نگارش کتب فقهی محدثان ری به کتب اصولی و اجتهادی شباهتی ندارد. «من لایحضره الفقیه» صدوق و فروع «الکافی» که مشتمل بر ابواب فقه هستند، به صورت اساسی به حدیث تکیه دارند. در فروع «الکافی» شیوه کاملاً حدیثی است؛ یعنی ذکر سند سپس متن حدیث بدون هیچ توضیحی یا تبصره و شرحی. به طور معمول، کلینی آرای مقبول خویش را که به رأی خود از قوت بیشتری برخوردار است، در ابتدا می‌آورد. شیخ صدوق نیز «الفقیه» را به سبک حدیثی، ولی با محتوای فقهی آورده است و با لفظ احادیث یا معنای آنها به بیان حکم فقهی می‌پردازد. این شیوه دقیقاً بر خلاف مکتب اهل اجتهاد و اصولیان بغداد است؛ لذا کتاب‌های «المقنعة»، «الاستبصار» و «تهذیب الاحکام» در مکتب بغداد، متفاوت از کتب فقهی مکتب ری است.

شیخ صدوق حتی در کتاب فقهی - فتوایی خود، «الهدایة»، نص حدیث را به عنوان فتوا ذکر می‌کند؛ یعنی در بیان فتوا و رأی برگزیده خویش از نصّ معصوم فراتر نمی‌رود، در حالی که در کتبی چون «المقنعة» شیخ مفید، اگر چه در بیان فتوا ممکن است از عبارات احادیث نیز استفاده گردد، ولی هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌شود و در خلال کلام و توضیح مؤلف، عبارت حدیث گنجانده شده است.

د) شیوه نگارش کتب کلامی

شیوه نگارش کتب کلامی اهل ری نیز بسان اهل حدیث است. شیخ صدوق در مقدمه کتاب «اکمال الدین» که هدف از نگارش آن را تألیف کتابی در باب غیبت بیان می‌دارد، به تردید و انکار غیبت امام عصر علیه السلام از سوی یکی از دوستانش به سبب شبهه‌ها و ایرادات، اشاره می‌نماید. صدوق می‌گوید: «من همانجا با احادیث از ائمه اهل بیت او را به این مسئله مجاب ساختم» (صدوق، اکمال الدین، ۱۳۹۰: ۲).

هر چند مسئله طرح شده در اینجا کلامی است و این‌گونه تصور می‌شود که شیخ صدوق نیز در اینجا باید با ادله و شواهد عقلی مخاطب خود را متقاعد سازد، ولی چون دأب اخباری‌گری دارد، از احادیث و روایات استفاده می‌نماید. این شیوه در دیگر استدلالات او نیز ملاحظه می‌شود. مجتهدان در هنگام تعارض دو دلیل عقلی و نقلی، یا دلیل نقلی را طرح می‌نمایند یا آن را با دلیل عقلی توجیه می‌کنند (خرمشاهی، دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۱: ۲/۱۲)؛ مثلاً شیخ مفید و سید مرتضی در پاسخ به سهو النبی به بیان ادله عقلی و استدلالی می‌پردازند، در حالی که کلیه استنادات شیخ صدوق به این مسئله با محوریت ادله نقلی و روایات است (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱/۳۵۹: صدوق، الاعتقادات، ۱۴۱۳: ۱۱۲) و به سبب این استناد، دلایل عقلی را نادیده می‌گیرد.

هـ) اشاره شیخ طوسی به حدیث‌گرایی متقدمان

در مقدمه شیخ طوسی بر «المبسوط» قرآینی وجود دارد که حاکی از مسبوق نبودن اجتهاد و مأنوس نبودن شیعیان با این امر است. شیخ می‌نویسد: «مخالفان ما پیوسته بر ما طعن می‌زنند که اینان دچار کمی فروع مسائل هستند».

در ادامه می‌گوید: «و یقولون إنهم أهل حشو و مناقضة وإن من ینفی القیاس و الاجتهاد لا طریق له إلى كثرة المسائل ولا التفریع علی الاصول» (طبری، المبسوط فی فقه الامامیه، بی‌تا: ۱/۲). طبق این بیان طوسی، اعتراض مخالفان (اهل سنت)، نفی قیاس و اجتهاد و توزیع بر اصول است. شیخ در ادامه بیان می‌دارد که من سال‌ها اشتیاق بسیار داشتم که کتابی تفریعی در فقه بنگارم، ولی بی‌رغبتی و بی‌توجهی شیعیان در این مسئله پیوسته مرا سست می‌نمود.

شیخ همچنین می‌گوید: «قبل از مبسوط من به هنگام نگارش نهاییه، هر آنچه را که اصحاب در اصول و روایت آورده بودند با الفاظ منقوله از اهل بیت آوردم تا شیعیان از آن دچار وحشت نشوند» (همان).

این سه مطلب در مقدمه «المبسوط» طوسی که پس از کلینی و شیخ صدوق است و در واقع، نماینده مکتب بغداد و مخالف حدیث‌گرایی است، از عدم سبقه و قوت اصول و اجتهاد در میان علمای پیش از طوسی؛ یعنی در زمان شیخ صدوق و کلینی حکایت می‌کند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که جریان فکری حاکم بر مکتب ری، اخباری‌گری است.

اندیشه‌های کلامی در ری

علم کلام که وظیفه آن دفاع از دین است، در ری به جهت طوفان‌های تخریبی علیه دین، ریشه‌های عمیق دارد و از تاریخ و قدمتی دیرینه برخوردار است. سال‌های ۲۶۰-۳۲۹ ق که در میان شیعیان به نام دوره غیبت صغری شناخته می‌شود، بدون تردید، سخت‌ترین و بحرانی‌ترین دوره در تاریخ تشیع امامی بود. ماجرا چنین آغاز شد که امام یازدهم شیعیان، حضرت عسکری (علیه السلام) در سال ۲۶۰ ق به شهادت رسید. بدون آنکه جانشین ایشان برای توده مردم شناخته و مشهود باشد؛ در نتیجه جامعه شیعه، به ویژه در عراق، ناگهان خود را با اختلافات و تشتت گروهی بزرگی مواجه یافت. این به نوبه خود موجب سرآغاز درگیری‌های درون‌گروهی، تغییر مذهب بسیاری از پیروان مکتب تشیع امامی و پیدایش فرقه‌های منحرف متعدد در میان شیعیان شد. این وضعیت، گروه‌های دیگر مانند معتزله و زیدیه را نیز تشویق کرد که با شدت بیشتر به مبانی سنتی عقیده تشیع که اکنون از همیشه آسیب‌پذیرتر و بی‌دفاع‌تر به نظر می‌رسید، حمله کرده، آن را مورد انتقاد قرار دهند (طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۷۲: ۲). در ری نیز فرقه زیدیه با کلامی اعتزالی و مفوضه، در کنار شیعیان به فعالیت علمی پرداختند. آنان در این مراکز به ارائه آرای خاص و فقهی خود، برگزاری جلسات مناظره و تألیف کتاب در تشیید مبانی خویش روی آوردند.

۶۴

فرقه زیدیه از سال ۱۲۱ یا ۱۲۲ ق (الغرابی، تاریخ الفرق الاسلامیه، بی‌تا: ۱۸۱) تشکیل یافته است. عقاید خاص این فرقه شامل، امامت زید بن علی پس از امام زین العابدین (علیه السلام)، عدم لعن بر ابوبکر و عمر و عثمان، امکان امامت مفضول با وجود فاضل و نیز شرط قیام و خروج به شمشیر برای امامت است. آنان بر خلاف شیعه تقیه را قبول نداشتند و تعریفی متفاوت از شیعه از عدل داشتند (همان، ۱۷۲؛ ابن قتیبه، عیون الاخبار، ۱۴۱۸: ۲/۱۷۹). آنان بر این اعتقاد بودند که «آن

الله لا يفعل القبيح كالظلم و الكذب، وذلك انه عالم بقبائح الامور و غنى عن فعلها، فالعدل و الاحسان من الله تبارك و الظلم و العدوان من عمل الشيطان، و الله من ذلك برىء و إنّ أفعال العباد حسنها و قبحها منهم و ليس من الله» (الغرابي، تاريخ الفرق الاسلاميه، بی تا: ۱۷۹).

زید بن علی، مؤسس این فرقه، شاگرد واصل بن عطا پیشوای فرقه معتزله بود. از آن روز زیدیه پس از وی پیرو اهل اعتزال شدند؛ به همین دلیل، گرایش کلامی ایشان اعتزالی بود (شهرستانی، الملل و النحل، بی تا: ۱ / ۲۵۱).

در چگونگی ورود فرقه زیدیه به ری و استیلای آنها بر این شهر به گزارش تاریخی مسعودی اکتفا می‌نماییم که آورده است: در سال ۲۵۰ ق محمد بن جعفر در ری خروج کرد و مردم را به بیعت حسن بن زید علوی دعوت نمود که جنگ سختی بین محمد بن جعفر و محمد بن عبدالله طاهر در گرفت و محمد بن جعفر به زندان می‌رفت (مسعودی، مروج الذهب، ۱۴۰۹: ۴ / ۶۹، حوادث سال ۲۵۰).

پس از مدتی حسن بن زید، پیغامی از طرف جستان لابن و هودان از ری دریافت داشت که یک نفر از یاران لایق خود را تعیین کن و پیش من بفرست تا ولایت ری را جهت تو مستلخص کنم. حسن بن زید پس از دریافت این پیام، احمد بن عیسی بن علی بن حسن را روانه آن دیار نمود. احمد با همکاری جستان بخشی از ولایت ری را به تصرف در آورد (عبدالرفیع، جنبش زیدیه در ایران، ۱۳۵۹: ۷۵).

زیدیان در ری مرکزیت و مدارس معروفی داشتند. فقه زیدیه فقه ابوحنیفه و کلام آنها معتزلی بود (الملل و النحل، ۱ / ۲۵۱ و النقض، ۴۵۸). بخشی از ری مخصوص حنفیان بود که تعداد آنها از شافعیان بیشتر بود (معجم البلدان، ۲ / ۸۹۳).

قدیمی‌ترین ارتباط میان معتزله و زیدیه است. این ارتباط از آغاز قرن دوم به بعد وجود داشته است. در قرن پنجم و ششم، همزمان با اضمحلال نسل مستقل معتزله به جز افرادی معدود، معتزله حضور خود را در شیعه زیدی حفظ کرده است. کسانی از معتزله که قصد هضم شدن در زیدیه را نداشتند، از میان رفتند و بسیاری نیز عملاً این گرایش را پذیرا شدند (مقالات کنگره مفید، ش ۷۰، ۸۲). معتزلیان در ری فعالیت‌های وسیعی داشتند و این فعالیت شیعیان و متکلمان آنها را به تألیف و نگارش و نیز تشکیل جلسات مناظره و می‌داشت؛ برای نمونه، احمد بن حسین هارونی المؤید بالله (متوفی ۴۱۱ ق) دانشمند و امام زیدی اثری با نام «نقض الامامة علی ابی جعفر محمد بن عبدالرحمن بن قبه امامی» تألیف نموده است (طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، ۱۳۷۳: ۱۶۵). «الاشتهاد» کتاب دیگری است که یک نویسنده زیدی به نام ابو زید علوی در اواخر قرن سوم

تألیف نموده و ابن قبه در رد او کتاب «نقض کتاب الاشتهاد از ابو زید علوی» را نگاشته است (ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ۱۳۸۶: ۹۶). انتقادات معتزله بر امامیه، ابن قبه را به تألیف کتاب «المسأله المفرده فی الامام» (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۷۵) وا می‌دارد. نیز همو کتاب «التعریف» را در رد فرقه زیدیه و اثبات حقانیت مذهب امامیه می‌نگارد (همان). مظفر بن محمد (۳۷۶ ق) متکلم شیعی نیز نقضی بر «العثمانیه» نوشته است (تاریخ تشیع در ایران، ۱/ ۳۷۵).

مهم‌ترین جریان کلامی که معتزله در ری با آن درگیر بودند، ماجرای خلق قرآن بود. بحث از خلق و حدوث قرآن از مباحث قدیمی و سابقه‌دار بین متکلمان اشاعره و معتزله است. این ماجرا به دوران امام صادق علیه السلام برمی‌گردد که با تأثیر از این آشوب‌های فکری، از آن حضرت نیز چنین پرسش شده است: ای پسر رسول خدا درباره قرآن چه می‌گویید؟ قومی گویند آن مخلوق و قومی دیگر می‌گویند که غیر مخلوق است. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: من در مورد آن، آنچه آنان می‌گویند، نمی‌گویم، لکن می‌گویم: آن کلام خداست (توحید صدوق، ۲۲۴).

در ری افرادی که قائل به قدم قرآن (غیر مخلوق بودن آن) وجود داشت. افرادی چون ابراهیم بن موسی، الصواب بن فراء، ابوزرعه بن عبدالله بن عبدالکریم رازی و ابوحاتم محمد بن ادريس حنظلی. اینان می‌گفتند: «القرآن کلام الله غیر مخلوق و من قال مخلوق فهو کافر» (هاشمی، ابوزرعه و جهده، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۲۹). ابوزرعه کتابی به نام «الرد علی الجهمیه» می‌نگارد که در آن به قول جهمیه دال بر مخلوق بودن قرآن (حدوث) حمله می‌نماید (همان). در مقابل این جریان، در ری که معتزلیان فراوان بودند، عقیده بر مخلوق بودن قرآن (حدوث آن) رایج و شایع گشت و بسیاری از علمای معتزلی حکم به حدوث آن می‌دادند و کسانی را که قائل به قدم قرآن بودند، کافر می‌دانستند. وجود فضا و جو فرهنگی معتزلی در زمینه خلق قرآن تا بدانجا حاکمیت داشت که بخاری (۱۶۴ - ۲۵۶ ق) در سفر خویش به ری قائل به خلق قرآن می‌شود (الندوی، الامام البخاری امام الحافظ و المحدثین، ۱۴۱۵: ۴۰).

با توجه به سفر بخاری به ری و قائل شدن به رأی خلق قرآن، می‌توان چند نکته را استنتاج نمود:

۱. هنگام ورود بخاری به ری، ری یک پایگاه مهم حدیثی بوده است که او بدانجا سفر کرده است.
۲. اندیشه غالب در ری حادث بودن و مخلوق بودن قرآن است که بخاری از آن تأثیر می‌گیرد.
۳. حاکمیت این رأی بر ری از همان ابتدای خلق این موضوع بوده است.

مسئله خلق قرآن از مباحث مهم کلامی در میان دیگر فرق شیعه بود. شیعیان نیز از این درگیری بی‌تأثیر نبودند و برای آنان در این زمینه پرسش‌هایی مطرح می‌شد، ولی پیرامون مباحث مهم کلامی شیعه در ری باید به دو رأی مهم آنان یعنی سهو النبی و غلو که ارتباطی مستقیم با هم دارند اشاره نماییم.

سهوالنبی و غلو در ری

علمای ری، به ویژه شیخ صدوق، به شدت به رخ دادن سهو و فراموشی از ناحیه پیامبر و اهل بیت عقیده دارند و کمترین حد غلو را برای یک شیعه قبول نداشتن سهوالنبی دانسته‌اند. در واقع، این‌گونه نگرش‌ها در ری متأثر از قم و علمای آنان بود. محدثان ری نیز به شدت علیه غلات و مفوضه می‌تاختند و آنان را کافرانی می‌دانستند که از همه فرق دیگر کفر و ضلال بدترند (صدوق، اعتقادات صدوق، ۱۴۱۳: ۱۰۱).

مفوضه و غلات - البته غلاتی که با معیار صدوق غالی هستند - با علمای ری و قم کشمکش‌های بسیاری داشتند. آنان علمای قم و ری را به دلیل داشتن این اعتقادات درباره پیامبر و غلو، مقصره توصیف می‌نمودند (همان).

آغاز اندیشه‌های ضد غلو و تفویض از قم بود. محدثان قم به تبعید غالیانی چون سهل بن زیاد آدمی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۸۵)، ابوسمینه محمد بن علی قرشی (همان، ۳۳۲)، حسین بن عبیدالله محرر (همان، ۵۱۲)، احمد بن محمد بن خالد برقی (ابی غصائری، رجال ابن الغضائری، ۱۴۲۲: ۳۹) اقدام نمودند. برخی از غالیان چون سهل بن زیاد آدمی در تبعید به ری رفتند (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۸۵، ش ۴۹۰). طبیعی است که معنای این عمل چیزی جز این نیست که اینان در ری افرادی را هم مسلک و همراه خویش یافته‌اند؛ لذا آنجا را برای زندگی انتخاب می‌نمایند.

تصریح به غلو برای برخی از محدثان ری از سوی علمای علم رجال مؤید این نظر است. ما در این جا برخی از آنها را برمی‌شمریم:

۱. حسین بن یزید بن محمد بن عبدالملک نوفلی که نجاشی درباره او می‌گوید: او کوفی بوده، ولی در ری ساکن شده است. برخی از قمیین گفته‌اند که او در اواخر عمر غالی شده است (همان، ۲۸).

۲. احمد بن علی ابوالعباس رازی که نجاشی درباره او گفته است: او در غلو و ترفیع است (همان، ۹۷). شیخ طوسی نیز او را به غلو متهم نموده است (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۴۶۱).

۳. علی بن عباس جرادینی رازی که نجاشی درباره او گفته است: «به غلو متهم است» (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۵۵).

۴. احمد بن علی خضیب زبیدی که طوسی او را متهم به غلو دانسته است (طوسی، رجال طوسی، ۱۳۸۱: ۷۶).

اصل سخن آنکه علم کلام در ری از همان ابتدا دارای رونق و شکوفایی خاصی بوده است و متکلمان بسیاری از این خطه برای دفاع و تشیید مبانی حقه تشیع برخاسته‌اند و از خود آثار متعددی به جا گذاشته‌اند. أبو طیب رازی (ابی داود، رجال ابن داود، ۱۳۹۲: ۲۱۹؛ طوسی، الفهرست طوسی، بی تا: ۳۹)، أحمد بن علی أبو العباس رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۴۵؛ طوسی، الفهرست طوسی، بی تا: ۳۰)، بکر بن صالح رازی (طوسی، الفهرست طوسی، بی تا: ۳۹)، جعفر بن احمد بن وندک رازی (ابی داود، رجال ابن داود، ۱۳۹۲: ۶۲)، علی بن محمد بن علی خزار رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۱۰۰؛ ابی داود، رجال ابن داود، ۱۳۹۲: ۱۴۰)، محمد بن خلف ابوبکر رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۹۸؛ رجال ابن داود، ۱۷۲)، محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۲۸۸؛ طوسی، الفهرست طوسی، بی تا: ۱۳۲؛ رجال ابن داود، ۱۷۷)، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۳: ۳۱۱؛ طوسی، الفهرست طوسی، بی تا: ۱۵۶) و محمد بن یعقوب کلینی رازی (همان، ۱۳۵) از این افرادند. این افراد آن دسته از متکلمانی هستند که به رازی بودن و متکلم بودن آنها یا داشتن کتابی در زمینه کلام در کتب رجالی اشاره شده است.

پی‌نوشت‌ها

- [۱] افرادی چون محمد بن احمد بن حماد بن سعید بن سلمه، ابو بشر دولابی (۲۲۴- ۳۱۰ق) که حافظ، محدث و تاریخ‌نگار بوده (زرکلی، الاعلام، ۱۹۹۹: ۵/ ۳۰۸) و احمد بن علی ابوبکر رازی (م ۳۷۰) که شیخ حنفیه در بغداد بوده و کتاب‌های فراوانی را نگاشته است (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷: ۴/ ۳۱۴)، خود نمونه بارزی از این دسته از افراد است.
- [۲] فأما اصحاب الحدیث من أصحابنا فانهم رَووا ما سمعوا وبما حدَّثوا به، وتقلوا عن اسلافهم، و ليس عليهم أن يكون حجة و دليلاً في الاحكام الشرعية، أو لا يكون كذلك، فإن كان في اصحاب الحدیث من يحتج في حكم شرعی بحدیث غیر مقطوع علی صحته فقد زلّ و هل و ما يفعل ذلك من يعرف اصول اصحابنا في نفي القياس و العمل بأخبار الآحاد حق معرفتها، بل لا يقع مثل ذلك إلا من غافل، و ربّما كان غير مكلف (السرائر، ۱/ ۵۰).

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، محمد، الكامل فی التاريخ، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن ادريس حلی، أحمد، کتاب السرائر، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن الغضائری، احمد بن الحسين، الرجال لابن الغضائری، قم: دار الحديث، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن بابويه، محمد بن علي، الخصال، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، ۱۳۶۲.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علي، الموضوعات من الاحاديث المرفوعات؛ رياض: مكتبه اضواء السلف، ۱۴۱۸ق.
۶. ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي بن محمد، تهذيب التهذيب؛ بيروت: داراحياء التراث العربی، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۱۳ق.
۷. ابن خلكان، احمد بن محمد، وفيات الاعيان و ابناء الزمان، بيروت: داراحياء التراث العربی، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۱۷ق.
۸. ابن داود الحلبي، حسن بن علي، رجال ابن داود، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۹۲ق.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علي، معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة و اسماء المصنفين منهم قديماً و حديثاً، نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۸۰ق.
۱۰. ابن كثير دمشقي، ابي الفداء اسماعيل (۷۷۴ق)، البداية و النهاية، بيروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
۱۱. ابن نديم، محمد بن اسحاق، الفهرست، مترجم: م. رضا تجدد، تهران: چاپخانه بانك بازرگانی ايران، [بی تا].
۱۲. احمد صدرحاج سيدجوادى، كامران خانى، بهاءالدين خرمشاهى، دايرة المعارف تشيع، تهران: بنياد خيريه فرهنگى شط، ۱۳۷۱ش.
۱۳. اسكافى، محمد بن عبدالله، المعيار و الموازنة في فضائل الامام امير المؤمنين على بن أبى طالب و بيان أفضليته على جميع العالمين بعد الانبياء و المرسلين، تحقيق محمدباقر محمودى، [بی جا]، ۱۴۰۲ق.
۱۴. افندى اصفهانى، ميرزا عبدالله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، ترجمه: محمد باقر ساعدى، مشهد: بنياد پژوهشهاى آستان قدس رضوى، ۱۳۷۶ش.

۱۵. تهرانی، آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علیقلی منزوی، قم: اسماعیلیان، ۱۹۷۱م.
۱۶. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲ش.
۱۷. حقیقت، عبدالرفیع، جنبش زید در ایران، تهران: آزاد اندیشان، ۱۳۵۹ش.
۱۸. حلی، محمدبن احمد ابن ادریس، السرائر، تهران: المعارف الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۱۹. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ۱۳۹۹ق.
۲۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، تاریخ بغداد او مدینه السلام، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۲۱. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
۲۲. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۳. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۹م.
۲۴. شهرستانی، محمد عبدالکریم، الملل والنحل، لبنان: دارالمعرفه، بی تا.
۲۵. شیخ بهایی، مشرق الشمسین واکسیر السعادتین، قم: مجمع البحوث الاسلامیه، بی تا.
۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
۲۷. صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، الاعتقادات، تحقیق عصام عبدالسید، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۸. صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، علل الشرایع، مقدمه محمدصادق بحر العلوم، قم: مکتبه الداوری، ۱۳۸۵ق.
۲۹. صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۰ق.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین مدرسی، مکتب در فرایند تکامل، ترجمه هاشم ایزد پناه، مؤسسه انتشاراتی دارالامین، ۱۳۷۲ش.
۳۱. طوسی، جعفر بن محمد بن حسن، الغیبه، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، الخلاف، قم: دارالکتب العلمیه، [بی تا].
۳۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، الفهرست، و بذیلة کتاب نضد الايضاح، [بی جا]، [بی تا].

۳۴. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه؛ تصحیح محمدتقی کشفی، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفریه، [بی تا].
۳۵. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، رجال الطوسی، نجف: منشورات المكتبه و المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۱ق.
۳۶. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و أصحاب الاصول، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۳۷. طوسی، محمدبن حسن اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تحقیق محمد مهدی فاضل میبدی - سید ابوالفضل موسویان، تهران: مؤسسه الطباعة و النشر، ۱۴۲۴ق.
۳۸. عبدالله بن مسلم، ابن قتیبه، عیون اخبار، بیروت: دارالکتاب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳۹. الغرابی، علی مصطفی، تاریخ الفرق الاسلامیه، بی تا.
۴۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، تحقیق مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرساله، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۷ق.
۴۱. قزوینی، عبدالجیل بن ابوالحسین، نقض (معروف به بعض مطالب النواصب فی نقض بعض الروافض)، تصحیح میرجلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.
۴۲. کریمان، حسین، ری باستان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.
۴۳. کوفی، أحمد بن اعثم، الفتوح، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق.
۴۴. مامقانی، عبدالله، تفتیح المقال فی علم الرجال، تهران: جهان، [۱۳۴۹-۱۳۵۲ش].
۴۵. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدرايه، تحقیق محمد رضا مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
۴۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۷. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، قم: موسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
۴۸. مسعودی، علی بن حسین بن علی، مروج و معادن الجواهر، تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۱ق.
۴۹. موسوی خوانساری اصبهانی، میرزا محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات: تهران: اسماعیلیان، [بی تا].

٥٠. نجاشى، احمد بن على بن احمد بن عباس، رجال النجاشى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، چاپ چهارم، ١٤١٣ق.
٥١. الندوى المظاهرى، تقى الدين، الامام البخارى امام الحافظ و المحدثين، دمشق: دارالقلم، چاپ چهارم، ١٤١٥ق.
٥٢. واقدى، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بيروت: دارصادر [بى تا].
٥٣. هاشمى، سعدى، ابو زرعة الرازى و جهوده فى السنة النبوية، قاهره: دارالوفاء للطباعة و النشر، چاپ دوم، ١٤٠٩ق.

